

توازن‌گرایی در سیاست خارجی عراق در دوره پساداعش

امیرمحمد حاجی یوسفی^۱

فرهاد وفاایی‌فرد^۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نوع مقاله: علمی- پژوهشی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۸/۲۷ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۹/۱۵

^۱. دانشجویار علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده

مسئول) (am-yousefi@sbu.ac.ir).

^۲. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (f_vafaefard@sbu.ac.ir).

چکیده

طی سال‌های اخیر و پس از شکست گروه تروریستی داعش، دولت‌های مختلف در عراق تلاش کرده‌اند تا در مسائل مهم منطقه‌ای و بین‌المللی ضمن اتخاذ رویکرد تنش‌زدایی و دوری از محوربندی‌ها، همکاری‌های پایداری در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی با طرف‌های مختلف داشته باشند. در این چارچوب، سیاست خارجی عراق طی این سال‌ها بر مبنای توازن‌گرایی میان شرکای منطقه‌ای و جهانی دنبال شده و این رویکرد توازن‌گرا به ویژگی مهم سیاست خارجی این کشور تبدیل گشته است که دلایل آن قابل بررسی به نظر می‌رسد. بر این اساس، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که چرا سیاست خارجی عراق در دوره پس‌داعش، واجد خصلت توازن‌گرایی در قبال شرکای منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است؟ در راستای پاسخ به این پرسش و با اتخاذ رویکرد واقع‌گرایی نئوکلاسیک به‌عنوان چارچوب نظری، فرضیه تحقیق این است که ادراک تهدید رهبران سیاسی عراقی نسبت به محیط منطقه‌ای و بین‌المللی باعث بروز خصلت توازن‌گرایی در سیاست خارجی این کشور شده است. از این رو، ابتدا مروری بر محیط داخلی و بیرونی عراق صورت گرفته و سپس با توجه به مقوله «ادراک رهبران سیاسی عراقی»، فرضیه پیش‌گفته مورد بررسی قرار می‌گیرد.

• واژگان کلیدی

توازن‌گرایی، واقع‌گرایی نئوکلاسیک، ادراک رهبران سیاسی، سیاست خارجی عراق.

مقدمه

دولت‌ها در عرصه سیاست خارجی برای تأمین منافع ملی و دستیابی به اهداف خود، راهبردهای گوناگونی را دنبال می‌کنند. این راهبردها که شکل‌دهنده و تنظیم‌بخش کنش‌گری آن‌ها در تعامل با محیط بیرونی است و به نوعی راهبردهای کلاسیک محسوب می‌شود، غالباً در چارچوب اتحاد و ائتلاف، انزوایلی، بی‌طرفی و عدم تعهد قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر کنش‌گری دولت‌ها در عرصه سیاست خارجی به صورت کلی در قالب یکی از راهبردهای چهارگانه پیش‌گفته قابل تحلیل و بررسی است.

با وجود این، به نظر می‌رسد راهبرد دیگری را نیز بتوان در بررسی سیاست خارجی دولت‌ها مورد توجه قرار داد که توازن‌گرایی نام دارد. توازن‌گرایی را می‌توان اتخاذ سیاست خارجی متعادل و دور از یک‌جانبه‌گری در ارتباط با محیط بیرونی قلمداد کرد. رویکرد توازن‌گرا در سیاست خارجی، با مؤلفه‌هایی چون شراکت استراتژیک در قبال قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای گوناگون و رقیب، اولویت‌بخشی به روابط همکاری‌آمیز و پرهیز از شکل‌گیری روابط منازعه‌آلود در روابط خارجی و نیز دیپلماسی تعاملی و چندجانبه‌گرا شناخته می‌شود.

عراق به‌عنوان یکی از کشورهای منطقه غرب آسیا و در میانه منازعات متعدد در محیط پیرامونی خود، طی سال‌های اخیر و به‌صورت مشخص در دوره پس از شکست داعش، راهبرد توازن‌گرایی را در سیاست خارجی خود دنبال می‌کند. این توازن‌گرایی در سیاست خارجی عراق میان شرکای منطقه‌ای، شرکای فرامنطقه‌ای و نیز در نسبت با شرکای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای صورت می‌گیرد.

در سطح منطقه‌ای، عراق مناسبات گسترده‌ای با جمهوری اسلامی ایران در زمینه‌های مختلف از جمله اقتصادی دارد که می‌توان به خرید کالا، برق و گاز اشاره کرد؛ به نحوی که این کشور جزو مهم‌ترین شرکای تجاری ایران در واردات محسوب می‌شود و در سال‌های گذشته، ایران یکی از سه صادرکننده نخست کالا به عراق بوده است. تهران همچنین جایگاه غیر قابل‌انکاری در تحولات سیاست داخلی عراق به ویژه کنش‌گری احزاب این کشور دارد. با وجود این، عراق طی سال‌های اخیر تلاش کرده تا علاوه بر تلاش در راستای تنوع‌بخشی شرکای اقتصادی به‌ویژه در حوزه انرژی، به ارتقای روابط سیاسی با کشورهای عربی نیز بپردازد. بغداد ضمن ایفای نقش در ابتکارات مربوط به هم‌گرایی شمال و جنوب خلیج فارس، در برخی موضوعات منطقه‌ای کنشی

میانجی‌گرایانه و در راستای تنش‌زدایی و کاهش منازعات از خود بروز داده است. با این حال همچنان که عواملی مانند مرزهای مشترک، همکاری در مبارزه با تروریسم و قرابت‌های مذهبی، عراق را به سمت ائتلاف با ایران سوق نداده، عنصر عرب‌گرایی نیز عاملی برای اتحاد عراق با دولت‌های عربی در تقابل با ایران نشده است.

با وجود این، اختلافات دیرینه با همسایگان یکی از چالش‌های عراق در سطح منطقه‌ای محسوب می‌شود. قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر و اختلاف با ایران که زمینه‌ای برای وقوع جنگ هشت‌ساله میان دو کشور شد، سدسازی‌های ترکیه و کاهش آب ورودی به عراق و نیز حملات گاه و بی‌گاه آنکارا به مناطقی از شمال این کشور با هدف مقابله با گروه‌هایی مانند پ.ک.ک و همچنین اختلاف عراق و کویت بر سر برخی میداین نفتی و نیز گذرگاه خور عبدالله، بخشی از مهم‌ترین منازعات عراق با همسایگان خود است؛ چه این‌که عراق از منظر دسترسی به خلیج فارس نیز با محدودیت مواجه بوده است. در مجموع و در سطح منطقه‌ای، به نظر می‌رسد عراق تمایل دارد در نقطه‌ای میان محورهای منطقه‌ای قرار بگیرد و ذیل فضای آکنده از رقابت و همکاری میان بازیگران مهم غرب آسیا به ایفای نقش سازنده بپردازد. بنابراین رویکرد توازن‌گرا در قبال بازیگران منطقه‌ای در سیاست خارجی عراق مشاهده می‌شود.

در سطح فرامنطقه‌ای، تقریباً از اوایل دهه ۱۹۹۰، اثرگذاری راهبردهای آمریکا در غرب آسیا بر تحولات عراق، فزاینده بوده است. این وضعیت با حمله سال ۲۰۰۳ آمریکا به عراق تشدید شد. گسترش روابط آمریکا با عراق اگرچه طی سال‌های اخیر چالش‌هایی داشته، بغداد اما همچنان خواهان همکاری پایدار و راهبردی در زمینه‌های نظامی، امنیتی و اقتصادی با واشنگتن است و حتی تمایل دارد میزبان تعدادی از مستشاران نظامی آمریکایی باشد. از سوی دیگر، سرمایه‌گذاری و مشارکت کشورهای اروپایی در بازسازی اقتصادی عراق به ویژه حضور در پروژه‌های انرژی نیز طی سال‌های اخیر رو به رشد بوده است. عراق همچنین ضمن انعقاد قرارداد «نفت برابر بازسازی» با چین، همکاری‌های خود با پکن را در زمینه‌هایی مانند انرژی و مشارکت در پروژه‌های عمرانی از جمله ساخت مدارس افزایش داده است. این وضعیت نشان می‌دهد عراق در سطح فرامنطقه‌ای و در قبال بازیگران این سطح نیز به دنبال پیش‌برد رویکردی مبتنی بر توازن‌گرایی است؛ چه این‌که با وجود نفوذ اقتصادی، سیاسی-امنیتی و نظامی آمریکا، روابط عراق با سایر بازیگران فرامنطقه‌ای از جمله کشورهای اروپایی و نیز چین و روسیه رو به گسترش به نظر می‌رسد.

در گذر از این دو بُعد، مواضع و رویکردهای عراق در موضوعاتی هم‌چون جنگ یمن، مسئله فلسطین، جنگ اوکراین، تحریم‌های غرب علیه سوریه و مواردی دیگر که تلفیقی از کنش‌گری بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ذیل آن‌ها قابل مشاهده است، بر اساس رویکرد عدم تنش‌زایی با طرفین درگیر در هر کدام از پرونده‌های پیش‌گفته قابل تحلیل به نظر می‌رسد و بغداد خواهان ایجاد بحران و کشمکش با هیچ‌کدام از طرف‌ها و اتخاذ رویکردی تهاجمی و یا حمایت نامتوازن از هر کدام از کنش‌گران نیست. از این منظر نیز عراق بین بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای رویکردی متوازن اتخاذ کرده است. بنابراین به نظر می‌رسد سیاست خارجی عراق هم بین بازیگران منطقه‌ای، هم بین بازیگران فرامنطقه‌ای و هم بین بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای واجد رویکردی توازن‌گرایانه است و این رویکرد به ویژگی مهم سیاست خارجی این کشور تبدیل گشته است که دلایل آن قابل بررسی به نظر می‌رسد.

بر این اساس و در راستای ریشه‌یابی این توازن‌گرایی در سیاست خارجی عراق، پژوهش حاضر این پرسش را مطرح می‌کند که چرا سیاست خارجی عراق در دوره پساداعش، واجد خصلت توازن‌گرایی در قبال شرکای منطقه‌ای و بین‌المللی است؟ در راستای پاسخ به این پرسش و با اتخاذ رویکرد واقع‌گرایی نئوکلاسیک به عنوان چارچوب نظری، فرضیه تحقیق حاضر این است که ادراک تهدید رهبران سیاسی عراقی نسبت به محیط منطقه‌ای و بین‌المللی باعث بروز خصلت توازن‌گرایی در سیاست خارجی این کشور شده است.

از این‌رو، پس از بررسی اجمالی ادبیات پژوهش، ابتدا برخی از روندها و تحولات محیط داخلی و بیرونی عراق مورد اشاره قرار می‌گیرد و سپس با توجه به مقوله ادراک تهدید رهبران سیاسی عراقی، فرضیه پیش‌گفته بررسی می‌شود. لازم به ذکر است روش گردآوری داده‌های مورد استفاده در این پژوهش، اسنادی و روش تحلیل داده‌ها، کیفی و براساس تحلیل محتوا خواهد بود.

۱- پیشینه پژوهش

عراق از جمله کشورهای منطقه غرب آسیاست که طی سال‌ها و دهه‌های گذشته در معرض رویدادها و تحولات گوناگونی از جمله در حوزه سیاست خارجی قرار داشته است. از این منظر، ارزیابی و تحلیل سیاست خارجی عراق همواره عرصه‌ای برای دانش‌پژوهی دانش‌پژوهان محسوب می‌شود. به صورت کلی، آثاری که به تحلیل و واکاوی سیاست خارجی عراق پرداخته‌اند، در سه دسته قرار می‌گیرند: نخست، آثاری که به عوامل داخلی مؤثر بر سیاست خارجی عراق پرداخته‌اند؛

دوم، آثاری که به عوامل خارجی مؤثر بر سیاست خارجی عراق اشاره کرده‌اند و سوم، آثاری که هردو دسته عوامل داخلی و خارجی اثرگذار بر جهت‌گیری‌ها و کنش‌گری‌های سیاست خارجی عراق را مورد توجه قرار داده‌اند.

از جمله آثاری که در دسته نخست قرار می‌گیرد، می‌توان به مقاله «جایگاه مفهوم فضای حیاتی در شکل‌گیری سیاست خارجی عراق» اشاره کرد. کاویانی‌راد و بویه (۱۳۹۱) در این اثر معتقدند که تنگنای ژئوپلیتیک در عدم دسترسی آسان به آب‌های آزاد، جنبه‌ای تهاجمی به سیاست خارجی عراق داده است. از منظر این پژوهش، با توجه به تغییرناپذیر بودن این خصلت ژئوپلیتیک، رفتار سیاست خارجی عراق پیش و پس از سقوط صدام بر اساس چنین عاملی قابل تحلیل است (کاویانی‌راد و بویه، ۱۳۹۱).

مقاله «مؤلفه‌های داخلی پایدار و مؤثر بر سیاست خارجی عراق جدید» به قلم خسروی (۱۳۸۸) نیز به این نکته اشاره می‌کند که سیاست خارجی عراق تا حدود زیادی متأثر از منابع پایدار و ثابت داخلی است. نویسنده این منابع را ناسازگاری میان هویت و حاکمیت و یا دولت و ملت، دشواری‌های ژئوپلیتیک، اقتصاد وابسته به نفت و هویت و ارزش‌های مشترک عربی برمی‌شمارد.

سالم (۲۰۱۳) نیز در «روابط و منافع خارجی درهم‌پیچیده عراق»، سیاست خارجی عراق در دوره پسادام را در مسیر خروج از انزوای ملی و گشودگی روابط با شرکای منطقه‌ای و بین‌المللی ارزیابی می‌کند. نویسنده معتقد است منافع ملی عراق در کسب توانمندی‌های نظامی، احیای بخش انرژی، تأمین تقاضای آب و انرژی داخلی، و افزایش تجارت و سرمایه‌گذاری، بغداد را به بازسازی روابط با شرکای منطقه‌ای و جهانی ترغیب کرده است.

به‌طور کلی در گذر از بازه زمانی مورد اشاره در این آثار که غالباً اختصاص به سال‌های پس از شکست گروه داعش ندارد، به نظر می‌رسد اگرچه عواملی مانند تنگنای ژئوپلیتیک از قابلیت مناسبی برای تحلیل سیاست خارجی عراق برخوردار است، اما نمی‌تواند رویکردهای تنش‌زدا و کنش‌های میانجی‌گرانه عراق طی سال‌های اخیر را توضیح دهد؛ چه این‌که روندها و تحولات نشان می‌دهند رفتار سیاست خارجی عراق طی دوره پساداعش در قالب خصلت‌هایی چون تهاجمی و پرخاش‌گرانه قابل تحلیل نیست.

مقاله «سیاست خارجی عراق: توازن شکننده» از جمله پژوهش‌هایی است که در دسته دوم قرار می‌گیرند. إحسان الشمیری (۲۰۲۲) در این پژوهش به بررسی تغییرات رویکرد توازن‌گرایی در

سیاست خارجی عراق در سال‌های پس از ۲۰۰۳ پرداخته و به این نکته اشاره می‌کند که طی این دوره، سیاست خارجی عراق میان وضعیت توازن و وابستگی در نوسان بوده است. الشمری سیاست خارجی عراق را در دوره نخست‌وزیری حیدر العبادی ذیل رویکرد توازن‌گرایی تحلیل می‌کند. از دیدگاه نویسنده، نخست‌وزیری عادل عبدالمهدی دور شدن از رویکرد متوازن و اتخاذ سیاست وابستگی و نخست‌وزیری مصطفی الکاظمی، تلاش برای بازگشت به توازن در روابط منطقه‌ای عراق بود. بررسی این اثر نشان می‌دهد که نویسنده توازن و وابستگی در سیاست خارجی عراق را با توجه به رویکرد دولت‌های این کشور در قبال جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی ارزیابی می‌کند. در این چارچوب، نزدیکی هر کدام از دولت‌ها به ایران، به معنای وابستگی و تلاش برای ایجاد تعادل در روابط با تهران و ریاض به معنای توازن در نظر گرفته شده است.

یکی دیگر از آثاری که ذیل دسته دوم قرار گرفته و به بررسی عوامل خارجی مؤثر بر سیاست خارجی عراق پرداخته، مقاله «سیاست خارجی عراق در قبال خلیج فارس پس از سال ۲۰۱۴ بر اساس تئوری تصمیم‌گیری» نوشته عبدالله علی إبراهیم (۲۰۲۲) است. نویسنده در این اثر با اتخاذ نظریه تصمیم‌گیری به این نکته اشاره می‌کند که تحولاتی از جمله خیزش گروه تروریستی داعش در سال ۲۰۱۴، باعث شد تا برداشت تصمیم‌گیران عراقی نسبت به مسائل داخلی و خارجی دست‌خوش تغییر و تطور شود. إبراهیم همچنین در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی به مجموعه عواملی اشاره کرده است که چالش‌هایی برای موفقیت سیاست خارجی عراق محسوب می‌شوند.

در این دسته از آثار نیز تمایز میان سیاست خارجی عراق پیش و پس از شکست گروه داعش چندان روشن نشده است و اگرچه گاهی اشاره‌گذاری به عامل اتخاذ توازن در سیاست خارجی عراق طی سال‌های پساداعش شده، این مسئله با عدم دریافت حمایت‌های امنیتی از سوی آمریکا و کشورهای غربی و نیز اعضای شورای همکاری خلیج فارس مرتبط شده است.

از جمله آثاری که در دسته سوم قرار دارد، می‌توان به «عوامل مؤثر بر سیاست خارجی عراق در پرتو تحولات جدید» اشاره کرد. طارق الزبیدی (۲۰۱۸) در این پژوهش، به دو دسته عوامل داخلی و خارجی اشاره می‌کند. وی در بخش عوامل داخلی، هشت عامل اقتصادی، دینی، جغرافیایی، ایدئولوژیک، جمعیتی، نظامی، تمدنی و فن‌آوری را نام برده و در بخش عوامل خارجی، به سیاست خارجی دولت‌های هم‌جوار عراق - ایران، ترکیه، عربستان، سوریه، اردن و کویت - اشاره می‌کند. در بخش دوم، این پژوهش بر تأثیر سیاست بین‌الملل و نیز تأثیر بحران‌ها بر سیاست

خارجی عراق پرداخته می‌شود (الزبیدی، ۲۰۱۸: ۱۸۹-۱۷۱). با این حال، به نظر می‌رسد که نویسنده به نوعی تمامی عوامل سلبی و ایجابی مؤثر بر سیاست خارجی عراق را فهرست کرده و توجه خاصی به چگونگی اثرگذاری عوامل پیش‌گفته و یا رده‌بندی آن‌ها از منظر اهمیت و اثرگذاری، مبذول نداشته است. علاوه بر این که این عوامل در یک بستر زمانی طی سال‌های پس از ۲۰۰۳ مورد اشاره قرار گرفته و دوره پساداعش به صورت خاص مورد توجه نویسنده نبوده است.

در مجموع به نظر می‌رسد اگرچه در برخی آثار به تحلیل و واکاوی سیاست خارجی عراق پرداخته شده است، اما بخش عمده آن‌ها به ویژه از منظر زمانی، ارتباط چندان کاملی با نوشتار حاضر ندارند. به عبارت دیگر، غالب پژوهش‌هایی که درباره واکاوی عوامل مؤثر بر سیاست خارجی عراق انجام شده، برای دوره پساداعش نبوده و بیشتر متمرکز بر «عراق جدید» به معنای عراق پس از ۲۰۰۳ است. از سوی دیگر، اگرچه در برخی پژوهش‌ها به مسئله توازن‌گرایی در سیاست خارجی عراق اشاره شده، اما ریشه‌ها و دلایل این موضوع مورد واکاوی قرار نگرفته است. همچنین پژوهش‌های مرتبط با عوامل مؤثر بر سیاست خارجی عراق، یا منحصرأ تکیه بر عوامل سطح داخلی داشته، یا صرفاً به عوامل سطح خارجی اشاره کرده و یا اینکه مجموعه‌ای از عوامل سطح داخلی و خارجی را به صورت توأمان در نظر گرفته‌اند و به نظر می‌رسد استدلال منسجمی بر پایه تلفیق دو سطح تحلیل درباره سیاست خارجی عراق ارائه نداده‌اند. براین اساس، نوشتار پیش‌رو تلاش می‌کند تا با تمرکز بر تحولات عراق پساداعش، فراتر از پژوهش‌های پیشین، به چرایی توازن‌گرایی در سیاست خارجی این کشور بپردازد و در این چهارچوب از تلفیق دو سطح داخلی و خارجی بهره می‌برد.

۲- چارچوب نظری

یکی از رویکردهایی که به توضیح رفتار سیاست خارجی دولت‌ها می‌پردازد، واقع‌گرایی نئوکلاسیک است. واقع‌گرایی نئوکلاسیک، واجد برخی از مؤلفه‌های هردو رویکرد واقع‌گرایی کلاسیک و ساختاری است. از جمله اینکه واقع‌گرایی نئوکلاسیک دولت را بازیگر کلیدی عرصه بین‌المللی می‌داند و بر این باور است که دولت‌ها برای پیگیری تحقق اهداف خود که مهم‌ترین آن بقاست، به دنبال کسب قدرت هستند (Reiby, 2012: 14). واقع‌گرایی نئوکلاسیک همچنین آنارشی را خصلت نظام بین‌الملل قلمداد کرده و تأثیر آن را بر رفتار سیاست خارجی دولت‌ها می‌پذیرد.

در گذر از این نقاط مشترک، واقع‌گرایی نئوکلاسیک با طرح پرسشی متفاوت از برخی واقع‌گرایان ساختاری مانند والتس، تلاش می‌کند توانایی توضیح‌دهندگی واقع‌گرایی را ارتقا دهد؛ بر این اساس، اگرچه والتس معتقد بود ارائه نظریه تبیینی برای سیاست خارجی به سبب پیچیدگی آن ممکن نیست، ولی این پرسش را در نظر داشت که چرا با وجود تفاوت‌های داخلی، رفتار سیاست خارجی دولت‌ها یکسان است (Waltz, 1979). در نقطه مقابل اما واقع‌گرایان نئوکلاسیک تلاش می‌کنند تا به توضیح این مسئله بپردازد که چرا با وجود متغیرهای یکسان در سطح نظام بین‌الملل، برخی از خصلت‌ها و ویژگی‌های رفتاری دولت‌ها در سیاست خارجی متمایز است. به عبارت دیگر، این پرسش مورد توجه قرار می‌گیرد که چرا رفتار برخی دولت‌ها در سیاست خارجی، واجد خصلت‌هایی نامتعارف و متمایز از یکدیگر است.

واقع‌گرایی نئوکلاسیک، همچنین رویکرد متفاوتی از سایر اشکال واقع‌گرایی به ویژه واقع‌گرایی ساختاری نسبت به منافع دولت‌ها دارد و آن را علاوه بر متغیرهای موجود در سطح نظام بین‌الملل، تا حدودی متأثر از عوامل داخلی نیز می‌داند. از این منظر، در حالی که واقع‌گرایی ساختاری توجه به متغیرهای داخلی در تحلیل رفتار سیاست خارجی دولت‌ها را مفید نمی‌داند، واقع‌گرایی نئوکلاسیک بر این باور است که ارزیابی کنش‌گری دولت‌ها در عرصه سیاست خارجی بدون توجه به سطح داخلی نامتمام و ناکافی است (مشیرزاده و عین‌الهی، ۱۳۹۷: ۱۴۳-۱۴۱).

در تشریح این وضعیت، نظریه‌پردازان واقع‌گرایی نئوکلاسیک اعتقاد دارند که اگرچه ویژگی‌های آنارشی در نظام بین‌الملل باعث توجه ویژه دولت‌ها به کسب و افزایش قدرت می‌شود، اما عواملی در سطح ملی و در داخل دولت‌ها وجود دارد که به رفتار آن‌ها یا به عبارتی پاسخ دولت‌ها به متغیرهای سطح سیستم، در یک نظام بین‌الملل آنارشیکی جهت می‌دهد (نیاکوئی و صفری، ۱۳۹۶: ۸۶). از دیدگاه شوئلر آن‌چه در چگونگی پاسخ دولت‌ها به تحولات محیط بین‌المللی اثرگذار است و باعث واکنش‌های بعضاً متمایز واحدهای سیاسی می‌شود، متأثر از متغیرهای داخلی تنظیم‌گر و محدودکننده است (Schweller, 2004: 164). بنابراین تمایز در سیاست خارجی دولت‌ها را باید با توجه به تلفیقی از عوامل سطح خرد و سطح کلان یا متغیرهای داخلی و بین‌المللی توضیح داد (Scmidh, 2005).

بر این اساس، اگرچه فشارهای موجود در نظام بین‌الملل بر دولت‌ها به رسمیت شناخته می‌شود، اما تفسیر و ترجمان آن‌ها با عوامل داخلی است؛ به عبارت دیگر با وجود این‌که سیاست خارجی هر دولتی متأثر از توانمندی‌های مادی آن‌هاست، اما برداشت و نحوه فهم عناصر داخلی از

فشارهای سیستمی نیز در آن مؤثر است (Rose, 1998: 146). پس متغیرهای خرد که در سطح تصمیم‌گیران عمل می‌کنند در شناخت کنش‌گری دولت‌ها در عرصه سیاست خارجی اهمیت دارند و باید مورد توجه واقع شوند (Snyder, 1991: 64).

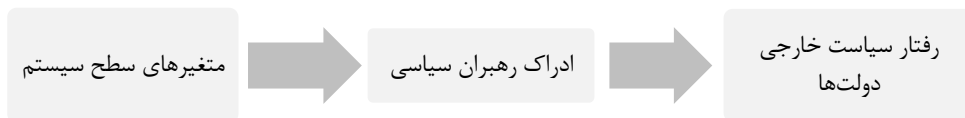
از دیدگاه واقع‌گرای نئوکلاسیک، متغیرهای موجود در سطح نظام بین‌الملل از مسیر ادراک و برداشت تصمیم‌گیران بر سیاست خارجی دولت‌ها اثر می‌گذارند (Dersan, 2012: 14). شوئلر معتقد بود آن‌چه در واقع‌گرایی ساختاری چندان مورد توجه قرار نگرفته، ادراک دولت‌ها از رویدادها، روندها و تحولات عرصه بین‌المللی است (Schweller, 2014a: 6). بنابراین عواملی که در سطح بین‌المللی وجود دارند بر رفتار دولت‌ها به عنوان بازیگران کلیدی عرصه بین‌المللی اثر گذارند، اما این اثرگذاری از طریق واسطه یا متغیرهای داخلی که همان برداشت و ادراک تصمیم‌گیران از محیط بین‌المللی است، اعمال می‌شود.

ادراک در سیاست خارجی به‌صورت گسترده مورد توجه دانش‌پژوهان قرار گرفته است و بخشی از مسئله تغییر رویکردها در سیاست خارجی به ادراک تصمیم‌گیران در این عرصه باز می‌گردد. تصمیم‌گیران به ارزیابی روندها و رویکردهای سیاست خارجی پرداخته و در صورت ادراک این مسئله که تداوم یک رویکرد سودده نیست، به تغییر آن می‌پردازند. از دیدگاه شوئلر، ادراک رهبران سیاسی در شکل‌گیری سیاست خارجی دولت‌ها اثرگذار است (Schweller, 2004: 169). جرویس معتقد است ادراک رهبران و تصمیم‌گیران عرصه سیاست خارجی، می‌تواند تأثیرات سوئی را همچون جنگ‌های ویران‌گر به دنبال داشته باشد (Jervis, 1976). ادراک تصمیم‌گیران نسبت به مسائلی مانند قدرت، بازدارندگی، اطمینان‌بخشی، سازگاری، ثبات و ... در محیط پیرامونی و نسبت به سایر دولت‌ها، می‌تواند به سیاست خارجی یک کشور جهت‌دهی کند (رستگارپور و دیگران، ۱۴۰۰: ۲۲۴). به‌طور کلی، واقع‌گرایی نئوکلاسیک قائل به این است که متغیرهای میانجی، اثرگذاری متغیرهای مستقل را که در سطح ساختار نظام بین‌الملل هستند، به رفتار سیاست خارجی دولت‌ها منتقل می‌کنند (اسدی، ۱۳۸۹: ۲۴۹). به‌عبارت دیگر، متغیرهای سطح نظام بین‌المللی از سوی نخبگان و رهبران سیاسی فیلتر شده و در سیاست خارجی یک دولت اثر می‌گذارند (حاجی یوسفی و نعمتی، ۱۳۹۸: ۸۲).

در مجموع، نوشتار حاضر در چارچوب رویکرد واقع‌گرایی نئوکلاسیک و با تمرکز بر صورت‌بندی تحلیلی رندال شوئلر در تحلیل سیاست خارجی دولت‌ها، مهم‌ترین عامل مؤثر بر رفتار دولت‌ها در عرصه سیاست خارجی را ادراک رهبران سیاسی از محیط خارجی می‌داند که در

نوشتار حاضر به کار بسته می‌شود. براین اساس، متغیرهای سطح سیستم به‌عنوان متغیر مستقل از طریق ادراک رهبران سیاسی که متغیر مداخله‌گر محسوب می‌شود بر رفتار سیاست خارجی دولت‌ها به‌عنوان متغیر وابسته اثرگذار است.

شکل ۱. سیاست خارجی از منظر رندال شوئلر



منبع: (Schweller, 2004)

۳- محیط داخلی عراق

ساختار سیاسی و اجتماعی عراق متکثر و متفرق است. صحنه داخلی عراق دارای کنش‌گران و بازیگران متعدد و متنوع با منافع و مطلوبیت‌های متفاوت و بعضاً متناقض است. به‌طور کلی، چهار دسته کنش‌گران راهبر در ساحت سیاسی عراق وجود دارد که عبارتند از: رهبران دینی، رهبران نظامی، رهبران قبایل و رهبران سیاسی. این کنش‌گران همواره در موضوعات گوناگون داخلی و خارجی اثرگذارند که البته چگونگی و میزان اثرگذاری هر کدام در برخی موارد متفاوت است. رهبران دینی در عراق شامل مراجع و در رأس آن‌ها مرجعیت نجف و نمایندگان ایشان در حرم‌های نجف و کربلا هستند. رؤسای دیوان وقف اهل سنت و دیوان وقف شیعی عراق نیز از جمله رهبران دینی این کشور محسوب می‌شوند. اگرچه بخشی از نقش‌آفرینی و اثرگذاری رهبران دینی در عراق به دلیل مقبولیت نهاد دین در این کشور بوده، اما به نظر می‌رسد دسترسی این نهاد به منابع مالی گسترده، درآمدهای سرشار اوقاف در عراق و به‌دنبال آن اجرای پروژه‌های بزرگ در شهرهای گوناگون باعث رقابت جریان‌های عراقی برای نفوذ بیشتر در اداره اوقاف است. علاوه بر این که سقوط صدام و استقرار نظام سیاسی جدید به‌ویژه با توجه به رجوع قانون اساسی به آرای عمومی و سازوکارهای دموکراتیک از یک سو و نسبت جمعیتی شیعیان در عراق از سوی دیگر، باعث تحکیم و تقویت جایگاه مرجعیت در عراق پس از ۲۰۰۳ شده است.

مهم‌ترین رهبر دینی در عراق را می‌توان آیت‌الله سیستانی دانست. رویکرد آیت‌الله سیستانی نسبت به امر سیاسی و مداخله در مسائل کشور در امتداد سنت فکری حوزه علمیه نجف قرار می‌گیرد. آیت‌الله سیستانی اگرچه خواهان نوعی ارتباط محدود میان تشکیلات روحانیت و تحولات سیاسی بوده، اما نقش‌آفرینی ایشان در رویدادهایی بروز یافته که روند دموکراتیک در عراق با چالش‌های وجودی و حیاتی روبه‌رو شده است (Sayei, 2019: 24). با توجه به تجربه زیسته مردم عراق در یک نظام سیاسی استبدادی طی دهه‌های متمادی، به نظر می‌رسد شخصی‌سازی حکومت و حرکت هرچند اندک یک فرد یا جریان به سمت دیکتاتوری از خطوط قرمز آیت‌الله سیستانی محسوب می‌شود.

آیت‌الله سیستانی همواره بر وظیفه ذاتی حکومت در خدمت‌رسانی و ایجاد رفاه عمومی فارغ از گرایش‌های دینی، قومی و هویتی تأکید دارد. فراز و فرود مواضع وی در دوره پس از ۲۰۰۳ بیشتر تابعی از اصل اساسی حفظ امنیت و تحکیم مردم‌سالاری به عنوان دو زیربنای حکومت عراق بوده است (حاجی‌یوسفی و عارف‌نژاد، ۱۳۹۰: ۴۴). در مجموع عملکرد آیت‌الله سیستانی طی دوره پس‌اصدام و در رویدادهای مهمی چون تدوین قانون اساسی، انتخابات پارلمانی، ظهور داعش و اعتراضات سراسری سال ۲۰۱۹ حاکی از رویکرد نظارتی، ارشادی و کنشگری محدود است (شیخ‌نشین و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۴۶-۲۳۵).

رهبران نظامی در عراق، رؤسای نهادها و دستگاه‌های نظامی‌امنیتی این کشور هستند. وزارت دفاع، ارتش فدرال، سازمان حشدالشعبی، نیروهای موسوم به پیشمرگه، دستگاه مبارزه با تروریسم و برخی از بازیگران مسلح غیر دولتی در عراق از جمله نهادهای اثرگذار نظامی در این کشور محسوب می‌شوند. به‌طور کلی از منظر نظامی‌امنیتی نیز مسئولیت‌های حاکمیتی میان دولت مرکزی و سازمان حشدالشعبی و حتی برخی گروه‌های مسلح خارج از ساختار رسمی تقسیم شده است (Benhamou, 2021: 46). طی سال‌های اخیر، دستگاه مبارزه با تروریسم در عراق خبرساز بوده که برکناری رئیس آن، یعنی عبدالوهاب الساعدی در سال ۲۰۱۹ از جمله عوامل نارضایتی معترضان بود تا اینکه نخست‌وزیر وقت، ناگزیر از بازگرداندن وی به مسئولیت پیشین شد.

فرمانده میدانی یا نائب‌رئیس سازمان الحشدالشعبی نیز از جمله رهبران نظامی اثرگذار در عراق محسوب می‌شود. تا سال ۲۰۲۰ میلادی، ابومهدی المهندس این مسئولیت را بر عهده داشت که در رویداد فرودگاه بغداد ترور شد. هم‌اکنون ابوفدک المحمداوی فرمانده میدانی حشدالشعبی است. برخی دیگر از کنش‌گران عراقی نیز اگرچه در حوزه‌های امنیتی-اطلاعاتی

مسئولیت دارند، اما به‌نوعی جزو رهبران نظامی محسوب می‌شوند؛ از جمله آن‌ها می‌توان به مشاور امنیت ملی عراق اشاره کرد که در موضوعات مرتبط با سیاست خارجی این کشور واجد کنشگری بیشتری است؛ هم‌اکنون قاسم‌الأعرجی از کارگزاران اصلی پرونده توافق امنیتی تهران-بغداد محسوب می‌شود.

گروه دیگری از کنش‌گران راهبر در عراق، رهبران قبایل و عشیره‌ها هستند. اثرگذاری این دسته از کنش‌گران در این چارچوب قابل ارزیابی است که ساختار قبایله‌ای و عشیره‌ای از ویژگی‌های پایدار و مداوم جامعه عراق طی دهه‌های گذشته بوده است (مسجدی، ۱۳۸۷: ۲۱۶). به نظر می‌رسد رهبران قبایل و عشیره‌ها اگرچه در عرصه رسمی تحولات عراق، چندان ظهور و بروز رسانه‌ای ندارند، اما به دلیل اهمیت ساختار قبایله‌ای و عشیره‌ای در این کشور، واجد میزانی از اثرگذاری هستند. نمونه‌های متعددی از کنشگری قبایل عراقی را در تحولات سیاسی و اجتماعی این کشور می‌توان مورد اشاره قرار داد که شاید مهم‌ترین نمونه متأخر آن، نقش‌آفرینی برخی از رهبران قبایل در تحولات منتهی به سقوط بخش‌های غربی عراق پس از حملات گروه تروریستی داعش باشد.

دسته چهارم از کنش‌گران راهبر در عراق امروز را باید رهبران سیاسی قلمداد کرد. نخست‌وزیر دولت مرکزی، رئیس‌جمهور و رئیس پارلمان عراق به‌عنوان رهبران سیاسی، واجد بیشترین اثرگذاری و نقش‌آفرینی در تحولات این کشور هستند. علاوه‌براین، برخی از رهبران اقلیم کردستان از جمله مسعود، نجیروان و مسرور بارزانی و نیز تعدادی از رهبران احزاب سیاسی از جمله مقتدی الصدر، هادی العامری و سیدعمار الحکیم با وجود اینکه در سه منصب پیش‌گفته حضور نداشتند، اما جزو کنش‌گران سیاسی اثرگذار محسوب می‌شوند. عراق همچنان با وضعیت دیرینه و پیچیده‌ای از تکرار بازیگران غیر دولتی مواجه است که دارای سلاح بی‌ضابطه هستند و در هر سه گروه شیعه، سنی و کرد حضور دارند (Clausen, 2019: 12). این وضعیت در مناطق گوناگون قابل مشاهده بوده و در بسیاری از موارد، کنترل محلی معمولاً بین شاخه‌های متعددی از قدرت رسمی و غیر رسمی مانند دفتر نخست‌وزیر، پلیس فدرال، نیروهای محلی و قبایله‌ای، شبه نظامیان و ... تقسیم شده است (Cambanid, 2019: 8).

عراق در دهه‌های اخیر تحولات مهم و اثرگذاری را چون کودتا، جنگ، سقوط نظام سیاسی، اشغال و تروریسم تجربه کرده است. این کشور طی قرن بیستم در کشاکش تشکیل، ثبات و نقش‌آفرینی و نیز متأثر از تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی بود. استبداد و فرقه‌گرایی را می‌توان

مؤلفه پایدار و مانای جامعه عراق در طول این قرن دانست که با قدرت‌یابی حزب بعث نیز تداوم یافت (العلوی، ترجمه ابراهیمی، ۱۳۹۰). پس از به‌قدرت رسیدن صدام در سال ۱۹۷۹، حزب بعث با تکیه بر درآمدهای نفتی و از طریق کاربست شبکه پیچیده‌ای از سازمان‌های امنیتی و تشدید رویکردهای فرقه‌گرایانه، نظامی توتالیتر در عراق ایجاد کرد (Y. Ismael and S. Ismael, 2015: 15-17). با این حال، سیاست یکپارچه‌سازی هویتی و فرهنگی در دوره صدام، مخاطرات امنیتی بسیاری در داخل عراق داشت و به شکل‌گیری منازعات متعدد میان دولت مرکزی و کردها از یک‌سو و شیعیان از سوی دیگر منتهی شد (اسدی، ۱۳۸۶: ۱۲۹).

با حمله آمریکا در سال ۲۰۰۳، نظام سیاسی عراق فروپاشید. این حمله اگرچه باعث تولد عراق جدید شد، اما به نظر می‌رسد منازعه بر سر تصاحب دولت که از سال ۱۹۲۰ و زمان تشکیل کشور عراق همواره وجود داشته، تداوم یافت و صرفاً موقعیت قومیت‌های گوناگون آن چون شیعه، سنی و کرد تغییر کرد (Slim, 2019: 1-2). استقرار دموکراسی محدود با مشارکت افراد و احزاب گوناگون، ایده آمریکایی‌ها برای نظام سیاسی جدید عراق بود؛ اما آیت‌الله سیستانی بر لزوم تدوین قانون اساسی بر مبنای آرای عمومی تأکید کرد (اسدی، ۱۳۹۳: ۱۳۹). درنهایت نظام پارلمانی تناسبی و نیز مدلی غیرمتمرکز که امکان روابط نامتقارن بین بغداد و سایر استان‌ها را فراهم کند، مورد اجماع قرار گرفت (Fleet, 2019: 3).

با وجود این، نظام سیاسی جدید عراق بر مبنای نوعی سهمیه‌بندی‌های حزبی یا در اصطلاح عراقی‌ها «محاصره» شکل گرفته که تا هم‌اکنون نیز ادامه داشته است (Dodge, 2019). وضعیت جدید با تغییر ساختار و موازنه قدرت داخلی، فدرالیسم و دولت غیرمتمرکز، تنازعات اجتماعی و منازعات قومی فرقه‌ای و مداخله و نقش‌آفرینی بازیگران خارجی، باعث شکل‌گیری دولتی ضعیف در عراق شد (Baram, 2014). بنابراین، می‌توان سیاست در عراق را تنازع برای هژمونی قومی، فرقه‌ای و مذهبی در داخل یک چارچوب ملی واحد دانست (سردارنیا و زارع، ۱۳۹۴: ۱۸۵). یکی از مهم‌ترین برون‌دادهای این وضعیت، تحولات مربوط به تشکیل دولت و انتخاب رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر و اختلاف میان گروه‌ها و جریان‌های مختلف عراقی است. طی سال‌های گذشته، این شکاف از تشکیل فراکسیون بزرگتر^۱ آغاز شده و تا انتخاب نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور ادامه یافته است؛ چه‌این‌که نخست‌وزیر کنونی عراق (شیاع السودانی) حدود یک‌سال پس از برگزاری انتخابات پارلمانی مأمور به تشکیل کابینه شد. به‌عبارت دیگر، شکاف میان گروه‌های عراقی حتی در دوره

۱. الکتله الأكبر

پسانتخابات قابل توجه بوده و حل‌وفصل آن برای بازیگران داخلی و حتی خارجی چندان آسان نیست؛ به‌نحوی که توافق پارلمان برای انتخاب نخست‌وزیر گاهی تا ماه‌ها حاصل نمی‌شود. علاوه بر این، بودجه اقلیم کردستان، پرداخت حقوق کارمندان دولت اقلیم از سوی دولت فدرال، قانون نفت و گاز و کنترل مناطق مورد منازعه مانند کرکوک و سنجار از جمله مهم‌ترین موضوعات اختلافی میان کردها و دولت مرکزی عراق است. همه‌پرسی استقلال اقلیم کردستان در سال ۲۰۱۷ و متعاقب آن تصرف کرکوک توسط نیروهای عراقی - با محوریت حشدالشعبی - که باعث از دست رفتن نیمی از صادرات نفت خام اقلیم شد، چالش مهمی در روابط شیعیان و کردها ایجاد کرد (Slim, 2019: 25). همچنین بازگشت آوارگان به مناطقی مانند جرف الصخر، انحصار سلاح و حضور برخی گروه‌های مسلح شیعی در مناطق غربی عراق بخشی از مسائل مورد اختلاف میان اهل سنت و دولت مرکزی این کشور محسوب می‌شود.

۴- محیط خارجی عراق

محیط خارجی عراق را می‌توان ذیل دو بُعد منطقه‌ای و بین‌المللی مورد بررسی قرار داد. محیط منطقه‌ای عراق در غرب آسیا، از منازعه‌خیزترین مناطق جهان طی سال‌های اخیر بوده و فقدان اجتماع امن عراق را در معرض بحران‌هایی مانند جنگ قرار داده است؛ همان‌طور که تحولات سه دهه اخیر نشان می‌دهد از منظر منطقه‌ای، عراق بیش از سایر کشورهای غرب آسیا در پویش‌ها و روندهای این منطقه تنیده شده و در معرض آسیب‌ها و چالش‌های آن قرار داشته است. عراق در این دوره شاهد بیشترین مداخله نظامی از سوی بازیگران خارجی بوده است؛ تا جایی که برخی بر این باورند این کشور کانون هرگونه تحلیل و واکاوی چالش‌های امنیتی در غرب آسیا و تغییرات محیط استراتژیک آن است (Péter, 2021: 141).

اگرچه حمله نظامی و اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ دوران پیچیده و منازعه‌آلودی در این کشور ایجاد کرد که در آن، گروه‌های متعددی برای مقابله با نیروهای نظامی غربی در عراق به وجود آمدند (Fisher & Wong, 2004)، اما ظهور و خیزش داعش و فراگیری و به دنبال آن تسلط این گروه تروریستی بر بخش‌هایی از غرب این کشور، تحولی محسوب می‌شود که در غرب آسیا به وقوع پیوست و تأثیرات قابل توجه و بعضاً ویرانگری بر عراق گذاشت. از این منظر، با وجود این که بسیاری از گروه‌های تکفیری حاضر در عراق، خاستگاه داخلی نداشته و بیشتر وارداتی بودند، وضعیت سیاسی، اجتماعی و امنیتی عراق اما برای رشد و گسترش این گروه‌ها مساعد بود. با

اشغال موصل، دولت اسلامی عراق و شام (داعش) به خلافت ابوبکر البغدادی تشکیل شد. البغدادی که سال ۲۰۰۹ از زندان آمریکایی‌ها آزاد شده بود، علاوه بر گسترش داعش، آن را به تهدیدی جدی برای منطقه تبدیل کرد (Andersen, 2017: 19-20). بنابراین عراق در این دوره به کانون قدرت‌یابی، قدرت‌نمایی و قدرت‌افزایی گروه‌های تروریستی تبدیل شد.

عراق همواره در معرض رقابت‌های بازیگران منطقه‌ای نیز قرار داشته است. همان‌طور که تا مدت‌ها پس از سقوط صدام، دولت‌های عربی به دلیل نارضایتی از حمله آمریکا، شکل‌گیری دولتی شیعی و نفوذ ایران در عراق، حاضر به برقراری روابطی عادی با بغداد نبودند (کیسین و همکاران، ۱۳۸۲: ۹۸). اکنون نیز به نظر می‌رسد یکی از اهداف مشارکت فزاینده اقتصادی و سیاسی دولت‌های عربی در تحولات عراق، مقابله با نفوذ جمهوری اسلامی ایران است (Niazy, 2022). بر این اساس، راهبرد شورای همکاری خلیج فارس در قبال عراق اتخاذ رویکردهای تعاملی میان‌مدت و بلندمدت قلمداد می‌شود (Alaaldin, 2020). ذیل این راهبرد، طی سال‌های اخیر عربستان سعودی مهم‌ترین بازیگری بوده که عراق را عرصه‌ای برای رقابت منطقه‌ای با ایران قلمداد کرده است (النور، ۲۰۲۱).

از منظر بین‌المللی، عراق در معرض فشارهای سیستمی در یک نظام بین‌الملل آنارشیک قرار دارد. این فشارهای سیستمی به صورت طبیعی انتخاب کشورها در عرصه سیاست خارجی را محدود می‌کند. در این میان، عراق به دلیل داشتن یک دولت پسامنازعاتی و شکننده بیش از سایر کشورهای منطقه در معرض این فشارهای سیستمی قرار دارد؛ همان‌طور که ارزیابی‌های بین‌المللی از شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در سال ۲۰۲۲ نشان می‌دهد دولت عراق با نمره ۹۳.۸ با وجود بهبود نسبت به سال‌های گذشته اما همچنان یک دولت شکننده محسوب می‌شود (Fund for Peace, Fragile States Index Annual Report 2022). شکنندگی دولت در عراق، انتخاب‌های سیاست خارجی را محدود و اضطراب را افزایش می‌دهد.

در این سطح کلان، راهبردهای قدرت‌های بزرگ به‌ویژه آمریکا در منطقه غرب آسیا بر تحولات عراق اثرگذار بوده است. عراق در دهه‌های اخیر حداقل دو بار در معرض حمله آمریکا قرار گرفت و در سال ۲۰۰۳ نظام سیاسی این کشور فروپاشید. این رویداد، به نحو قابل توجهی عراق را به چهارراه تحولات منطقه‌ای و کانون منازعات قومی، فرقه‌ای و مذهبی تبدیل کرد (Al-Ubaydli and Plebani, 2014: 42). به همین دلیل، در سال‌های پس از سقوط نظام سیاسی در عراق، تحولات این کشور همواره مورد توجه بازیگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای قرار داشته است. در

دوره پساصدام، عراق میزبان ده‌ها هزار نیروی نظامی خارجی به‌ویژه آمریکایی بود. از سال ۲۰۰۸ به تدریج از حضور نظامیان آمریکایی در عراق کاسته شد اما با ظهور داعش و در چارچوب توافق با بغداد، نیروهای آمریکایی ذیل ائتلاف بین‌المللی برای مبارزه با داعش به عراق بازگشتند. براین‌اساس، در دسامبر ۲۰۱۴ ائتلاف بین‌المللی با مأموریت تضعیف و در نهایت نابودی داعش از طریق یک استراتژی جامع و پایدار ضد تروریسم و با مشارکت ۸۳ کشور تشکیل شد (Hudson, 2014) و تلاش کرد خلأهای ایجادشده در منطقه را پوشش دهد؛ زیرا ظهور داعش در غرب آسیا و به‌ویژه پیشروی آن در عراق، تا حد قابل توجهی از کاهش معنادار توجه و تمرکز آمریکا بر این منطقه جلوگیری کرد (Zenko, 2018: 31).

بنابراین ایالات متحده در برهه‌ای به دنبال بسط نفوذ و حضور مستقیم در غرب آسیا و مواجهه با برخی تهدیدات و جریان‌های ضد آمریکایی بود و بر این اساس، عراق به محمل اصلی پیاده‌سازی این راهبرد تبدیل شد. در سوی مقابل اما حمله نظامی آمریکا به عراق مقدمه‌ای برای اتخاذ رویکرد «کاهش مداخله» و «رهبری از راه دور» آمریکا در تحولات بعدی این منطقه مانند جنگ سوریه و لیبی بود (Fawcett, 2023)؛ به همین ترتیب، در عراق نیز واشنگتن به کاهش نیروها و عملیات‌های رزمی پرداخت و سال ۲۰۲۲ پایان حضور نیروهای رزمی آمریکایی در عراق اعلام شد. از سوی دیگر، منابع نفتی عراق همواره به موضوعی رقابت‌آمیز میان قدرت‌های جهانی مطرح بوده و آمریکا از این منظر نیز به دنبال کنترل بر نفت این کشور بوده است (Alfahham, 2020: 8047-8048). در مجموع رویکرد آمریکا در قالب سیاست «آسیا محوری»^۱ و توجه به خیزش چین در دوره ریاست‌جمهوری اوباما (Gerges, 2012: 11)، از جمله زمینه‌هایی بود که باعث شد عراق پس از گسترش تروریسم در منطقه و نفوذ آن به بخش‌های غربی این کشور، به سمت روسیه به‌عنوان بازیگری متمایل به نقش‌آفرینی فزاینده در منطقه روی آورد؛ براین‌دین مسئله در مشارکت روسیه در پروژه‌های نفتی عراق، فروش تسلیحات و آموزش‌های نظامی بازتاب یافت (زمردی انباجی و دیگران، ۱۳۹۹: ۸۷-۸۵).

اما با وجود گسترش روابط واشنگتن و بغداد، به نظر می‌رسد هم‌زمان با بسیاری از کشورهای دیگر، عراق نیز در معرض تغییرات سیستمی در نظام بین‌الملل و تحولات ناشی از انتقال قدرت قرار دارد. از این منظر، اگرچه عراق از مناسبات گسترده‌ای با آمریکا برخوردار بوده، اما مسائلی مانند انرژی، پروژه‌های زیرساختی و ابتکار «یک پهنه، یک راه»، جایگاه کشورهایمانند چین را

^۱. Pivot to Asia

در سیاست خارجی عراق ارتقا داده است. در این چارچوب، بیشترین تعداد شرکت‌های خریدار نفت عراق، چینی هستند و پکن حضور فعالی در پروژه‌های توسعه میادین نفت و گاز، ساخت سد و مدارس عراق دارد (Fulton, 2020). عراق در سال ۲۰۲۱ با جذب ۱۰.۵ میلیارد دلار، بیشترین منابع مالی ابتکار یک پهنه، یک راه را دریافت کرد (Wang, 2021). در سال‌های اخیر عراق همچون روابط خود با اتحادیه اروپا را مطابق با توافق نامه مشارکت و همکاری اتحادیه اروپا و عراق که در آگوست ۲۰۱۸ لازم الاجرا شد، گسترش داده است (Nikolaidis, 2021).

۵- ادراک رهبران سیاسی عراقی از عرصه منطقه‌ای-جهانی

محیط بیرونی عراق در سطح منطقه‌ای و جهانی آنارشیک و منازعه‌آلود است که این مسئله ممکن است از طریق انتقال تعارضات بین کنش‌گران به داخل عراق، به صورت منازعه درونی تغییر ماهیت دهد. همین مسئله به ادراک رهبران سیاسی عراق شکل می‌دهد. به عبارت دیگر، متغیر مستقل که همان محیط بیرونی آنارشیک برای عراق است، از طریق متغیر مداخله‌گر که ناامن‌سازی عراق در ادراک رهبران سیاسی محسوب می‌شود بر متغیر وابسته که همانا سیاست خارجی این کشور است، اثر می‌گذارد.

در این میان توجه به این نکته ضروری به نظر می‌رسد که در ساحت تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری سیاست خارجی عراق، اثرگذاری حداقل چهار دسته از نخبگان و رهبران مذهبی، نظامی، قبایل و سیاسی قابل مشاهده است. به عبارت دیگر در سیاست خارجی عراق به دلیل ساختار متکثر، هر چهار دسته از رهبران پیش‌گفته واجد میزانی -البته متفاوت- از اثرگذاری و ایفای نقش هستند. با این حال، برآیند ادراکات و دیدگاه‌های هر چهار گروه، در رهبران سیاسی عراقی متبلور می‌شود که در حقیقت مناصب و موقعیت‌های کلان سیاسی را در اختیار دارند؛ به همین دلیل، پژوهش حاضر به بررسی ادراک تهدید میان رهبران سیاسی عراقی می‌پردازد. این کنش‌گران راهبر شامل رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر و برخی از رهبران احزاب اثرگذار عراقی است. در جدول زیر (شماره ۱)، این مسئله در قالب دو شاخص «عراق، میدان منازعات خارجی» و «تشدید آسیب‌پذیری عراق در صورت اتحاد و ائتلاف با طرف‌های منازعاتی» مورد بررسی قرار گرفته و مصادیقی از مهم‌ترین مواضع و اظهارات تصمیم‌گیران عرصه سیاست خارجی عراق در دوره پسدادش مورد اشاره واقع شده است.

جدول ۱. مصادیقی از ادراک تهدید رهبران سیاسی عراق از عرصه منطقه‌ای-جهانی

مقوله	شاخص	مصادق	منبع
ادراک تهدید عراق، میدان منازعات خارجی		حیدرالعبادی: عراق قربانی اختلافات ایران و آمریکا شده است؛ عراق بیش‌ترین آسیب را از اختلاف ایران و آمریکا دیده و جامعه عراق به ابزار نزاعی تبدیل شده که ربطی به آن ندارد.	المسله، ۱۸ می ۲۰۲۰
		مصطفی الکاظمی: منازعات منطقه غرب آسیا در وهله نخست به عراق آسیب زده است.	وكالة الأنباء العراقية، ۲۸ جون ۲۰۲۲
		برهم صالح: ما نمی‌خواهیم عراق عرصه تسویه حساب‌های خارجی باشد؛ بلکه می‌خواهیم عراق سکویی برای هم‌گرایی منطقه‌ای باشد.	العرب، ۳ آوریل ۲۰۱۹
		نوری المالکی: درگیری آمریکا و ایران بر عراق سایه افکنده است. عراق نباید میدانی برای تسویه حساب‌های خارجی باشد.	الشرق الیوم، ۲۳ اکتبر ۲۰۲۰
		مصطفی الکاظمی: رهبران عراقی نگران این هستند که کشورشان به عرصه‌ای برای درگیری‌های خطرناک بین‌المللی تبدیل شود.	المانیتور، ۲۱ اکتبر ۲۰۱۵
		مقتدی الصدر: عراق، قربانی منازعه میان ایران و آمریکاست.	المکتب الخاص، ۲۵ دسامبر ۲۰۲۰
		مقتدی الصدر: با وارد کردن عراق در منازعه ایران و آمریکا و تبدیل آن به عرصه درگیری دو کشور مخالفم. اگر عراق در این باره موضع واحد و جدی در پیش نگیرد، این جنگ پایان عراق را رقم خواهد زد.	القدس العربی، ۲۹ دسامبر ۲۰۱۹
		مقتدی الصدر: عراق باید ضمن امتناع از مداخله در مناقشه ایران و آمریکا از نهادهای خود برابر تروریسم و دیگران محافظت کند و راه‌حلی برای بحران ایران و عربستان بیابد.	أمان، ۲۰ سپتامبر ۲۰۱۹

وكالة الأنباء العراقية، ۲۵ ژانویه ۲۰۲۲	محمد شیاع السوداني: دولت عراق امروز بیش از پیش به ضرورت تعادل و فاصله گرفتن از سیاست محوربندی و اتخاذ رویکرد شراکت با کشورهای گوناگون معتقد است.	تشدید آسیب‌پذیری عراق در صورت اتحاد و ائتلاف با طرف‌های مزاحمتی
وكالة الأنباء العراقية، ۴ نوامبر ۲۰۲۳	محمد شیاع السوداني: منافع مشترک ما به دور از محورها و نیز عدم مداخله متقابل در امور داخلی کشورهاست.	
العرب، ۳ آوریل ۲۰۱۹	برهم صالح: اولویت‌های امنیتی، سیاسی و اقتصادی ما ایجاب می‌کند که وارد سیاست محوربندی‌ها و سنگربندی‌ها نشویم.	
میدل ایست نیوز: ۱۹ فوریه ۲۰۲۰	نوری المالکی: عراق به مکانی برای نفوذ برخی طرف‌ها تبدیل شده است. این در حالی است که ما نمی‌خواهیم در کنار یک طرف علیه طرفی دیگر باشیم.	
وكالة الأنباء العراقية، ۱۵ جولای ۲۰۲۲	مصطفی الکاظمی: امروز یا فردا، عراق می‌خواهد در هیچ‌یک از محورها یا ائتلاف‌های نظامی در منطقه حضور نداشته باشد.	
الشرق الأوسط، ۱۱ مارس ۲۰۲۳	مصطفی الکاظمی: عراق در سیاست خارجی به دنبال دوری از سیاست محوربندی و تعادل و توازن است.	

منبع: نویسندگان

همان‌طور که در جدول شماره ۱ آمده است، ادراک تهدید نسبت به عرصه منطقه‌ای-جهانی در میان رهبران سیاسی عراقی وجود دارد. این رهبران به‌عنوان مهم‌ترین کنش‌گران راهبر در عراق امروز، فارغ از این‌که در تقسیم‌بندی‌های سیاست داخلی عراق در کدام طیف قرار می‌گیرند، مواضع متعددی در قبال مسئله توازن‌گرایی در سیاست خارجی عراق داشته و آن را به لزوم قرارنگرفتن در کانون منازعات منطقه‌ای و عدم آسیب از تنش‌ها و بحران‌های محیط بیرونی عراق مرتبط می‌دانند. به‌عبارت دیگر مهم‌ترین منفعت رهبران سیاسی عراقی، فقدان تهدید و دوری از هرگونه عامل خارجی امنیتی‌زدا و بحران‌ساز است.

رهبران سیاسی عراقی، محیط بیرونی را تهدیدآمیز ارزیابی می‌کنند و بر این باورند که هرگونه منازعه در این محیط از جمله منازعه ایران و آمریکا و نیز ایران و عربستان، تأثیرات نامطلوبی بر عراق خواهد داشت. از چنین منظری، این انگاره در ذهن غالب تصمیم‌گیران و حتی افکار عمومی عراقی‌ها وجود دارد که بخشی از مشکلات این کشور طی سال‌های گذشته به دلیل منازعه ایران و آمریکا بوده و عراق قربانی این کشمکش‌ها و میدان منازعات خارجی است. روابط منازعه‌آمیز میان ایران و آمریکا عامل بخش مهمی از معضلات و بحران‌های عراق قلمداد و عراق در کشاکش قطب‌بندی‌ها و محوربندی‌های منطقه‌ای و جهانی دانسته می‌شود؛ در این رویکرد، بحران‌هایی نظیر گسترش داعش در عراق نیز تاحدودی پیامد منازعه ایران و آمریکاست و حتی رهبرانی نزدیک به ایران چنین ادراکی از تأثیر روابط خصمانه تهران و واشنگتن بر تحولات عراق دارند.

ادراک رهبران سیاسی عراقی از آثار منفی منازعه تهران و واشنگتن بر عراق، طی سال‌های اخیر به روابط ایران و عربستان سعودی نیز تسری یافت؛ این ادراک که در سیاست عربستان نسبت به عراق در سال‌های نخست پس از سقوط صدام به ویژه پس از انتخاب نوری المالکی به نخست‌وزیری عراق در سال ۲۰۰۶ ریشه دارد، بهبود روابط تهران و ریاض را در راستای امنیت‌زایی برای بغداد می‌داند (Harvey, 2022). تحولات پس از سال ۲۰۱۴ در عراق، سیاست-مداران و تصمیم‌گیران عراقی را به این نتیجه رساند که خیزش و قدرت‌یابی داعش در این کشور متأثر از شکاف‌های ایدئولوژیک و مطلوبیت‌های متناقض میان ایران و عربستان است. به همین دلیل دولت حیدرالعبادی تصمیم گرفت به توسعه روابط خود با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس بپردازد (فارس حمید، ۲۰۱۸: ۱۵۳).

در این راستا، ادراک تهدید نسبت به این تأثیر منفی منازعه ایران و عربستان در محیط بیرونی عراق، شکل‌دهنده به کنش‌گری‌های میانجی‌گرانه بغداد شده است. در این چارچوب، تلاش برای تبدیل روابط منازعه‌آمیز تهران و ریاض به یک روابط عادی و حتی همکاری جویانه، زمینه‌ساز ثبات و بهبود اوضاع اقتصادی و امنیتی عراق دانسته می‌شود. به همین دلیل بغداد طی سال‌های اخیر با برگزاری چند دور گفت‌وگو میان تهران و ریاض به دنبال جلوگیری از تصاعد تنش در روابط طرفین و تسری این تنش‌ها به عراق بوده است (Alkinani, 2022).

در عرصه منطقه‌ای-جهانی و در قبال اثرات سوء منازعات و بحران‌های محیط بیرونی عراق، ادراک تهدید رهبران سیاسی عراقی در رویکرد اطمینان‌بخشی این رهبران در قبال بازیگران خارجی ظهور و بروز روشنی داشته است. رهبران سیاسی عراقی به‌ویژه برخی از آن‌ها که در

عرصه رسمی یا رسانه‌ای به‌عنوان چهره‌ای نزدیک به یکی از طرف‌های منطقه‌ای یا فرمانطقه‌ای (به ویژه ایران) بازنمایی شده‌اند، تلاش می‌کنند با مجموعه‌ای از اقدامات و رویکردها در سیاست خارجی، این بازنمایی را تعدیل یا اصلاح کنند و از تهدیدات احتمالی محیط بیرونی و نقش آفرینی نامطلوب بازیگران خارجی در عرصه تحولات عراق بکاهند. بررسی روندهای داخلی عراق طی سال‌های اخیر نشان می‌دهد احزاب و رهبران کنونی این کشور در راستای همین رویکرد اطمینان‌بخشی به دنبال دور ماندن از تأثیرات نامطلوب تهدیدات محیط بیرونی هستند و ثبات در بیرون را زمینه‌ساز تداوم حضور خود در ساحت قدرت و تصمیم‌گیری می‌دانند.

این ادراک باعث شده تا رهبران سیاسی عراقی به دنبال تعریف نقش جدیدی برای عراق باشند که بر اساس آن، بغداد کانونی برای همکاری، تنش‌زدایی، میانجی‌گری و جذب سرمایه‌گذاری باشد؛ نشست‌هایی مانند «کنفرانس همکاری و مشارکت بغداد» یا نشست «جاده توسعه» در چنین بستری قابل تحلیل است. علاوه بر این در برنامه دولت‌های اخیر عراق در ابتدای استقرار نیز بر مسئله توازن‌گرایی در سیاست خارجی و جلوگیری از تبدیل شدن عراق به تهدیدی علیه همسایگان تأکید شده است (Government of Iraq, <https://gds.gov.iq/iraqs-parliamentapproves-government-programme>, 2020). دیدار السودانی با رشاد العلیمی رئیس شورای ریاستی یمن وابسته به نیروهای ائتلاف عربی در حاشیه اجلاس امنیتی مونیخ و سفر وزیر خارجه دولت عدن (مورد حمایت ریاض) به بغداد بود که آن را می‌توان پیام آشکاری به ریاض قلمداد کرد که براساس آن، مواضع عراق در پرونده یمن، همگام و هماهنگ با قطعنامه‌های سازمان ملل متحد و ناهم‌خوان با محور تهران-صنعاست. گسترش روابط عراق با امارات از جمله در توسعه مناطق آزاد سواحل بصره و افزایش حضور شرکت‌های اماراتی در میداین نفت و گاز عراق از جمله قراردادهای جدید استخراج مربوط به سه میدان نفتی مشترک عراق با ایران و کویت پس از پنج سال تعلیق که به شرکت نفت الهلال امارات متحده عربی واگذار شد، در این زمینه قابل اشاره است.

البته چنین رویکردی در ادوار گذشته نیز وجود داشته است. اما بررسی رویکردهای دولت کنونی عراق به نخست‌وزیری محمد شیاع السودانی که با حمایت چارچوب هماهنگی شیعیان (متشکل از تقریباً تمام گروه‌های شیعی به جز صدری‌ها) به قدرت رسید می‌تواند مصداقی متأخر از اتخاذ رویکرد اطمینان‌بخشی در کنش‌گری رهبران سیاسی عراقی باشد. به‌ویژه این که السودانی در محافل غربی به‌عنوان نخست‌وزیری نزدیک به محور ایران بازنمایی شد (Knights, 2023). بر این اساس، السودانی تلاش کرده به بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی اطمینان دهد که در هیچ

محور منطقه‌ای قرار ندارد، به تهران نزدیک‌تر از سایر بازیگران نیست و توازن در سیاست خارجی عراق را بر هم نمی‌زند. این رویکرد در بالاترین سطح نسبت به آمریکا دنبال شده است؛ همان‌طور که السوداني حتی از تداوم حضور بخشی از نیروهای مستشاری آمریکایی در عراق استقبال کرد (Detsch, 2023). به نظر می‌رسد که رویدادهای سال ۲۰۱۹ و کناره‌گیری عادل عبدالمهدی از نخست‌وزیری عراق به‌عنوان یک تجربه حائز اهمیت پیش روی سیاست‌مداران عراقی از جمله نخست‌وزیر فعلی قرار دارد تا توازن در سیاست خارجی نادیده گرفته نشود. اگرچه پایان نخست‌وزیری عبدالمهدی دلایل و زمینه‌های متعددی داشت، اما نمی‌توان نقش نارضایتی واشنگتن نسبت به رویکردهای شرق‌گرایانه عبدالمهدی و انعقاد قرارداد «نفت برابر باسازی» بین بغداد و پکن را نادیده گرفت.

در مجموع یکی از مهم‌ترین انگاره‌هایی که به ادراکی اثرگذار در شکل‌گیری سیاست خارجی عراق تبدیل شده، برداشت تهدید رهبران سیاسی عراقی از محیط پیرامونی این کشور است. بر اساس این ادراک، برخی منازعات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تأثیرات سوئی بر ساحت داخلی عراق دارد و به همین دلیل تهدیدی برای این کشور محسوب می‌شود. از این‌رو، عراق قربانی منازعات و زمین تسویه حساب برخی بازیگران قلمداد می‌گردد. در چنین شرایطی عراق از موضع‌گیری له یا علیه هر کدام از محورهای منطقه‌ای یا بین‌المللی خودداری می‌کند. عراق، خود را متعهد به ایجاد روابط مثبت و سازنده با کشورهای گوناگون دانسته و بدون توجه به رقابت محورها، تلاش می‌کند با همه بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به تعریف منافع مشترک در زمینه‌های گوناگون بپردازد (Şendağ and Özdemir, 2021: 6).

نتیجه‌گیری

طی سال‌های پس از شکست گروه تروریستی داعش، رفتار سیاست خارجی عراق در عرصه منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای حاکی از اتخاذ رویکرد توازن‌گرایی است و عراق طی این سال‌ها تلاش کرده ضمن دور ماندن از سیاست نزدیکی به طرف‌های منازعاتی، رویکردی متوازن را در همکاری‌های سیاسی و اقتصادی با طرف‌های خارجی دنبال کند. نوشتار حاضر با طرح پرسش درباره چرایی خصلت توازن‌گرایی در سیاست خارجی عراق، به آزمون این فرضیه پرداخت که ادراک تهدید رهبران سیاسی عراقی نسبت به محیط منطقه‌ای و بین‌المللی باعث بروز خصلت توازن‌گرایی در سیاست خارجی این کشور شده است. ادراک رهبران سیاسی عراقی به‌عنوان

برآیندی از ادراک کنش‌گران راهبر بدین‌گونه است که محیط بیرونی این کشور در سطح منطقه‌ای و جهانی آنارشیک و منازعه‌آلود بوده و می‌تواند از طریق انتقال تعارضات بین کنش‌گران به داخل عراق، به صورت منازعه درونی عراق تغییر ماهیت دهد. براین اساس، عراق، میدان منازعات خارجی در نظر گرفته شده و اتحاد و ائتلاف با طرف‌های منازعاتی باعث تشدید آسیب‌پذیری این کشور دانسته می‌شود. این وضعیت، عراق را به سمت رویکردهایی چون تنوع‌بخشی به شرکای تجاری، اطمینان‌بخشی به اعضای شورای همکاری خلیج فارس در قبال رابطه با ایران و کنش‌های میانجی‌گرانه در موضوعات اختلافی منطقه‌ای سوق داده است.

منابع و مآخذ

الف) فارسی

- اسدی، علی‌اکبر (۱۳۸۶). «دولت‌سازی در عراق جدید و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، *مجله سیاست دفاعی*، سال پانزدهم، شماره ۶۰، صص ۱۴۹-۱۲۱.
- اسدی، علی‌اکبر (۱۳۸۹). «واقع‌گرایی و رویکردهای رقیب به سیاست خارجی»، *فصلنامه راهبرد*، سال نوزدهم، شماره ۵۶، صص ۲۲۳-۲۵۲.
- اسدی، علی‌اکبر (۱۳۹۳). «ایران و آمریکا در عراق؛ تنوع کنش‌ها»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال ششم، شماره چهارم، صص ۱۲۷-۱۵۵.
- العلوی، حسن (۱۳۹۰). *شیعه و حکومت در عراق*، ترجمه محمدنبی ابراهیمی، تهران: سوره مهر.
- حاجی‌یوسفی، امیرمحمد و امیرحسین نعمتی (۱۳۹۸). «صف‌آرایی عربستان سعودی با اسرائیل از نگاه نظریات روابط بین‌الملل»، *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، شماره ۴۰، صص ۸۹-۷۰.
- حاجی‌یوسفی، امیرمحمد و عارف‌نژاد، ابوالقاسم (۱۳۹۰). «شناسه‌شناسی گفتمان اسلامی سیاسی مردم‌سالار آیت‌الله سیستانی»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال ششم، شماره چهارم، صص ۷۴-۴۱.
- خسروی، غلامرضا (۱۳۸۸). «مؤلفه‌های داخلی پایدار و مؤثر بر سیاست خارجی عراق جدید»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال سیزدهم، شماره اول، صص ۹۳-۵۹.
- زمردی انباجی، زهرا؛ حاجی‌یوسفی، امیرمحمد و موسوی شفقانی، سیدمسعود (۱۳۹۹). «عامل‌های مؤثر بر شکل‌گیری صف‌آرایی روسیه و عراق (۲۰۱۱ تا ۲۰۱۸)»، *فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی*، دوره سیزدهم، شماره یکم، صص ۷۱-۹۰.

رستگارپور، رضا؛ شفیعی، حسن و دهشیری، محمدرضا (۱۴۰۰). «تأثیر ادراک و سوء ادراک بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: مطالعه موردی رابطه ایران و آمریکا»، *فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، دوره یازدهم، شماره اول، صص ۲۴۷-۲۱۹.

سردارنیا، خلیل‌الله و مهرآبادی، محمد زارع (۱۳۹۴). «فدرالیسم و فرهنگ سیاسی در عراق»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال هفتم، شماره اول: ۱۹۰-۱۶۹.

شیخ‌نشین، علیرضا؛ بشیری، سعید و علیزاده، جواد (۱۳۹۴). «نقش مرجعیت آیت‌الله سیستانی در روند دولت‌سازی در عراق پس از سقوط صدام»، *پژوهشنامه روابط بین‌الملل*، دوره هشتم، شماره ۳۰، صص ۲۵۳-۲۱۵.

کاویانی‌راد، مراد و چمران، بویه (۱۳۹۱). «جایگاه مفهوم فضای حیاتی در شکل‌گیری سیاست خارجی عراق»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال هشتم، شماره اول، صص ۱۳۴-۱۱۲.

کیسین، کارل و دیگران (۱۳۸۲). «جنگ آمریکا و عراق». ترجمه گروه مترجمان. تهران: انتشارات ابرار معاصر.

مسجدی، ایرج (۱۳۸۷). «بررسی تجربه دولت‌ملت‌سازی در عراق»، در: *مجموعه مقالات همایش عراق نوین و تحولات خاورمیانه*، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.

مشیرزاده، حمیرا و بهرام عین‌الهی (۱۳۹۷). «زندال شوئلر و چالش‌های واقع‌گرایی»، *فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، دوره دهم، شماره سوم، صص ۱۵۵-۱۳۶.

نیاکوئی، سیدامیر و عسکر صفری (۱۳۹۶). «راهبردهای هسته‌ای متفاوت ایران؛ تبیینی از دریچه واقع‌گرایی نئوکلاسیک»، *فصلنامه سیاست جهانی*، دوره ششم، شماره دوم، صص ۱۲۲-۸۵.

ب) عربی

الزبیدی، علی طارق (۲۰۱۴). «العوامل المؤثرة في السياسة الخارجية العراقية في ضوء التحولات الجديدة»، فی: سعد عبید السعیدی، المصطفی بوجعوب، محمد کریم جبار الخاقانی، *السیاسة الخارجية العراقية بعد عام ۲۰۱۴*، برلین: مرکز الדיمقراطی العربی.

الشمري، إحسان (۲۰۲۲). «السیاسة الخارجية العراقية.. التوازن الهش»، *تریندز للبحوث والاستشارات الشرق الأوسط* (۲۰۲۰)، «العراق: المالکی یری أن الصراع الأمريكي - الإيراني یلقى بظلاله علی بلاده»، ۲۳ اکتبر.

العرب (۲۰۱۹)، «الرئيس العراقي لـ "العرب": لا نريد أن نكون ساحة تصفية حسابات»، ۳ آوریل.

النور، صباح (۲۰۲۱). «علاقات العراق الخارجية ومستقبلها»، أشرف: د. محمد الغریفی، *جامعة المصطفى العالمية*، المركز الדיمقراطی العربی.

أمان (۲۰۱۹)، «مقتدى الصدر: أرفض تدخل "إيران" فی شئون بلادی»، ۲۸ آوریل. فی: <http://www.aman-dostor.org/show.aspx?id=20799>

إبراهیم، عبدالله علی (۲۰۲۲). «السیاسة الخارجية العراقية تجاه الخلیج العربی بعد ۲۰۱۴ طبق نظریه اتخاذ القرار»، أشرف: د. محمد الغریفی، *جامعة المصطفى العالمية*، المركز الדיمقراطی العربی.

فارس علی، حمید (٢٠١٨). «السیاسه الخارجیه العراقیه بعد عام ٢٠١٤ فرص جدیده وتحديات مرکبه»، فی: مجموعه من المؤلفین، *السیاسه الخارجیه العراقیه بعد عام ٢٠١٤*، برلین: المركز الديمقراطي العربی للدراسات الاستراتيجیه والسیاسیه والاقتصادیه.

موقع المكتب الخاص لمقتدی الصدر الرسمى (٢٠٢٠)، *نداء أخیر*، ٢٥ دسامبر.

وكالة الأنباء العراقیه (٢٠٢٢)، «الکاظمی: مؤتمر جدء لن يناقش موضوع التطبيع»، ١٥ جولای. فی: <https://www.ina.iq/160834--.html>

وكالة الأنباء العراقیه (٢٠٢٢)، «الکاظمی يتطرق لملفات المياه والطاقة وزيارتيه للسعودیه وإيران خلال جلسة مجلس الوزراء»، ٢٨ جون، فی: <https://www.ina.iq/159597--.html>

وكالة الأنباء العراقیه (٢٠٢٢)، «رئيس الوزراء قبيل زيارته إلى باريس: نأمل وضع الأسس الصحیة لشراکة مستدامه»، ٢٥ ژانویه، فی: <https://www.ina.iq/176619--.html>

ج) انگلیسی

- Alaaldin, Ranj (2020), “Iraq’s Best Hope is Developing Stronger Ties to the Gulf - with US Help”, *The Brookings Institution*.
- Alfahham, Muayad Baqer Mohammed (2020). “International Economic Relations With Iraq Under The New World Order”, *Palarch’s Journal of Archaeology of Egypt/Egyptology*, 17 (7), 8043-8053.
- Al-Kadhimi, Mustafa (2015), “Can Iraq Meet US, Russia Halfway?”, *AL-Monitor*, Available at: <https://www.al-monitor.com/originals/2015/10/iraq-abadi-intervene-russia-us-islamic-state.html>
- Alkinani, Zeidon (2022). “Current Iraq-Gulf Relations: Economics over Politics?”, *Arab Center Washington DC*.
- Al-Ubaydli and Plebani, Omar and Andrea, eds. (2014), *GCC Relations with Post-War Iraq: A Strategic Perspective*, Cambridge: Gulf Research Centre Cambridge.
- Andersen, L. (2017), “The Mole and the Mallet: Islamic State and Al-Qaeda in the ‘Thirty Years’ War’ in the Middle East”. *Connections*, 16(1), pp. 7-24.
- Benhamou, Louis (2021). “Challenges to the Weberian State: Hybrid State and Non-State Actors in Iraq”, *Master’s Thesis*, Charles University.
- Baram, Amatzia (2014). *Saddam Husayn and Islam, 1968-2003: Ba’thi Iraq from Secularism to Faith*, Baltimore: Johns Hopkins University Press.
- Cambanid, Thanassis (2019). “Social Engineering in Samarra: An Iraqi Shia Militia Experiments with Nationalism in a Sunni City”, *The Century Foundation*.
- Clausen, Maria-Louise (2019) “Breaking the Cycle: Iraq Following the Military Defeat of Islamic State”, *Danish Institute for International Studies (DIIS)*, Copenhagen.
- Dersan, D (2012). “Response to the International Challenge: A Neoclassical Realist Analysis of Syrian Foreign Policy, 1990-2005”, *PH.D Thesis*, Department of international relation, Middle East Technical University.
- Detsch, Jack (2023). “They Have to Balance: New Iraqi Leader Tilts the Scales Toward U.S.”, *Foreign Policy*, Available at: <https://foreignpolicy.com/2023/01/24/iraq-new-prime-minister-sudani-us-troops>.

- Dodge, Toby (2019). "Muhasasa Ta'ifiya and its Others: Domination and Contestation in Iraq's Political Field", In: Marc Lynch and David Siddhartha Patel, *Religion, Violence, and State in Iraq*, Middle East Political Science.
- Fawcett, Louise (2023). "The Iraq War 20 Years on: Towards a New Regional Architecture", *International Affairs*, 99, (2).
- Fisher, I. and Wong, E. (2004): *The Reach of War: The Insurgency; Iraq's Rebellion Develops Signs Of Internal Rift*. The New York Times, p.1001001. Available at: <https://www.nytimes.com/2004/07/11/world/the-reach-of-war-the-insurgency-iraq-srebellion-develops-signs-of-internal-rift.html>.
- Fleet, Mike (2019). "Decentralization and its Discontents in Iraq", *Middle East Institute*.
- Fulton, J. (2020), "China-Saudi Arabia Relations Through the '1+ 2+ 3' Cooperation Pattern", *Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies*, 14 (4), 516-527.
- Fund for Peace (2022). "Fragile States Index Annual Report", Available at: <https://fragilestatesindex.org/wp-content/uploads/2022/07/22-FSI-Report-Final.pdf>.
- Gerges, Fawaz A. (2012). *The End of America's Moment? Obama and the Middle East*, London: Palgrave Macmillan.
- Harvey, Katherine (2022). *A self-fulfilling prophecy: The Saudi struggle for Iraq*, Oxford: Hurst.
- Hudson, D. (2014). "President Obama: We Will Degrade and Ultimately Destroy ISIL" . *Obama White House*. Available at: <https://obamawhitehouse.archives.gov/blog/2014/09/10/president-obama-we-willdegrade-and-ultimately-destroy-isil>.
- "Iraq's Parliament Approves Government Programme" (2020). *Government of Iraq*, Available at: <https://gds.gov.iq/iraqs-parliamentapproves-government-programme/>.
- Jervis, R. (1976). *Perception and Misperception in International Politics*, a. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Knights, Michael (2023). "Iraq Is Quietly Falling Apart", *Foreign Affairs*, Available at: <https://www.foreignaffairs.com/iran/iraq-quietly-falling-apart>.
- Niazy, Layal (2022). "Tumultuous Yet Promising: The Evolution of GCC-Iraq Relations", *Gulf Research Center*.
- Nikolaidis, A. (2021). "The Role of the European Commission/DG ECHO in Crisis Response and Institutional Cooperation for an EU Comprehensive Approach", In: *European Union Security and Defence* (pp. 129-138): Springer.
- Péter, Selján (2021). *The Role of Foreign Intervention in the Balance of Power System of the Greater Middle East: The Case of Iraq*, Budapest: Institute for International, Political and Regional Studies.
- Reiby, A. (2012). "Public Opinion and US China Policy: A Quantitative Analysis of Relation between American Public Opinion and Foreign Policy toward China, 1990-2004", *M.A Thesis, department of political science*, University of Oslo.
- Rose, G. (1998). "Review: Neoclassical Realism and Theories of Foreign Policy", *World Politics*, 51, (1), pp. 144-172.
- Salem, Paul (2013). "Iraq's Tangled Foreign Interests and Relations", *Carnegie Endowment for International Peace*.

- Sayej, Caroleen (2019). "Ayatollah Sistani: Much More than a "Guide" for Iraqis", In: Marc Lynch and David Siddhartha Patel, *Religion, Violence, and State in Iraq*, Middle East Political Science.
- Şendağ and Özdemir, Salih and Alper (2021). "Iraq Assessment 2020: Foreign Policy and Expectations", Turkey: *Center for Middle Eastern Studies*.
- Schmidt, Brian C (2005). "Competing Realist Conceptions of Power, Millennium", *Millennium Journal of International Studies* 33(3):523-549.
- Schweller, Randall L (2004). "Unanswered Threats: A Neoclassical Realist Theory of Under balancing", *International Security*, 29 (2), 159-201.
- Schweller, Randall L (2014a). "China's Aspirations and the Clash of Nationalisms in East Asia: A Neoclassical Realist Examination", *International Journal of Korean Unification Studies*, 23 (2), 1-40.
- Slim, Randa (2019). "Iraq: A Conflict Over State Identity and Ownership", Washington: *The Middle East Institute*.
- Snyder, Jack. (1991). *Myths of Empire: Domestic Politics and International Ambition*, Ithaca and London: Cornell University Press.
- Waltz, Kenneth (1979). *Theory of International Politics*, Boston :Addison wesley
- Wang, Christoph (2021). "China Belt and Road Initiative (BRI) Investment Report 2021", *Green Finance and Development Center*. Available at: <https://greenfdc.org/brief-china-belt-and-road-initiative-bri-investment-report-2021>.
- Y. Ismael, Tareq and S. Ismael, Jacqueline (2015). *Iraq in the Twenty-First Century: Regime Change and the Making of a Failed State*, London and New York: Routledge
- Zenko, Micah (2018). "US Military Policy in the Middle East: An Appraisal", *Chatham House*.